
ترانه
امید
عالم انسانی را دو بال است یک بال ذکور یک بال اناث

ثمـــرات امیـــد

(نشریه لجنـــه ملی ترقی نسوان)

شماره ششم سال سوم — شهر الملك ـ شهر العلاء — بهمن ـ اسفند

(٦) (٣) ١٠٧ ١٣٢٩

فهرست منـــدرجـــات :

از یراعه مقدسه حضرت بهاءالله جلت عظمته

هوالغفور الکریم   این مسجون مظلوم در جمیع لیالی و ایام بندگان و کنیزان الهی را بافق اعلی و مقام اسنی دعوت مینماید بعضی از نفوس از کوثر بیان رحمن مجذوب شده بمقصد روحی توجه نمودند و بعضی در قبور جهل و نادانی مانده اند مع آنکه کل شهادت میدهند بفنای عالم و آنچه در اوست معذلک چنان فریفته اسباب فانیه گشته اند که بسبب آن از نعیم باقیه ربانیه و مقامات عالیه متعالیه چشم پوشیده اند نیکوست حال نفسیکه شئونات دنیا او را از نفحات ایام ظهور محروم ننمود قسم بآفتاب بقا که او عندالله اعظم است از آنچه در ملکوت انشاء خلق شده باید آن مخدره بعنایات الهیه و فیوضات رحمانیه بحبل امر متمسک باشند بشأنیکه جمیع اهل عالم قادر بر منع آن نباشند انشاءالله در هر صباح و مساء بذکر مالک اسماء و فاطر سماء مشغول باشید و از کوثر توحید و سلسبیل تجرید در هر حین بیاشامید البهاء علیک و علی اللائی آمن بالله العلیم الخبیر .

* * *

نکاتی چند از سفرنامه مبارک

۱ـ روز محرم ۱۹ دیسمبر صبح نطق مبارک در مجمع در خصوص حقوق نساء بود که باید نساء در تربیت خود و تحصیل کمالات بکوشند بتربیت احقاق حقوق خویش نمایند نه بزور و زجر زیرا بحسن تدبیر و تربیت طلب مساوات نمودن شأن عاقل است شخص دانا به تحصیل کمالات طلب حقوق خویش نماید اما نادان بقوه جبریه مثلا چون طفل بحد بلوغ رسد همه شهادت میدهند برشد و بلوغ او و آخر شرحی از حسن اخلاق اماءالله (بهائیان ایران فرمودند) که بحسن گفتار و رفتار معامله مینمایند نه بزور و اجبار .

۲ـ علاوه از تشرف نفوس مختلفه که تا عصر در اطاق مبارک بشرف لقا مشرف میشدند آن شب در بیرونی جمعی از خانمهای محترمه حقوق طلب بساحت اطهر رسیدند بسیار آنها را نصیحت فرمودند و باعتدال و حسن اخلاق و کردار دلالت نمودند زیرا آن اوقات با ضدیت و مخالفت آنها نسبت برجال دولت و حکومت شدت نموده بود بدرجه‌ء که دواتی مانند تیزاب ساخته سر هر گذری در صندوقهای پوسته می ریختند که کاغذها متلاشی و ضایع شود تا مردان را عاجز نمایند و آنها را در حفظ و ادای حقوق زنان مجبور سازند لهذا مکرر لسان اطهر نساء را از ارتکاب اینگونه امور منع میفرمودند بتربیت و حسن آداب و اخلاق دلالت مینمودند که راه ترقی عالم نسوان و حفظ حقوق ایشان باعتدال در امور و حصول تربیت و آداب الهیه و کمالات انسانیه معلق و مربوط است نه دون آن .

* * *

قسمتی از بیانات حضرت حرم روحیه خانم

نقل از اخبار امری محفل مقدس ملی بهائیان امریکا
ترجمه ـ جناب عبدالحسین نعیمی

عموم درباره رفتار ما دقت میکنند

ما باید بدانیم که نفوسیکه در نظر ما بینهایت نسبت بامر بیعلاقه وبیطرف بنظر میرسند در باطن امر همیشه با نهایت دقت مراقب ومتوجه میباشند عده نفوسیکه از امر مطلع ولی نسبت بآن نظر مخصوص دارند بیشمار است اینها میل ندارند بهائی شوند زیرا یا هنوز بحقانیت امرالله پی نبرده اند ویا نمیخواهند تعهدات ووظائف و مسئولیت های خطیره ایمان بآئین بهائی گردند ولی میخواهند بدانند که ما حقیقة بهائی هستیم ویا ادعای ما میان تهی واز تظاهرات دروغی است بعبارة اخری آنچه میگوئیم هستیم ومیزان اعمال با اقوال تعادل دارد یا نه. بعقیده من ما درست نمیدانیم که تا چه درجه اعمال وافعال ما مورد انتقاد ودقت نفوس است واز جنبه روحی وروانشناسی این مسئله بسی قابل توجه وشایان دقت است که این نفوس خیلی شائقند که ما بهائیان دارای اخلاقی باشیم که قابل انتساب بمصدر اعلای بهائی باشد واگر چنین نبود خشم ونگرانی وانزجار ودشمنی آنان نسبت بما برانگیخته میشود.

دختریکی از احبا وقتی پیش ما میهمان بود وپدرش خیلی میل داشت که این دختر قبول ایمان نماید وبهائی شود این دختر بمنزل شخصی دعوت شد که گاهی بمجالس بهائی میآمد ولی هنوز اظهار تصدیق نمینمود نگارنده با او همراه نبودم زیرا کاری در منزل مانع بود. روز بعد میزبان این دختر بمن تلفن کرد واعتراض نمود که این میهمان بهائی شما چه سنخ آدمی است که از من مشروب الکلی قبول نمود البته فورا باو گفتم که از کجا میدانید که او بهائی است ودر طلب وتحقیق نیست البته امیدوارم روزی در سلک مؤمنین درآید وحلقه خدمت بگوش کند. حالت رضایت وخشنودی که در صدای مخاطب پس از استماع این سخن حاصل شد برای من درس عبرتی بود. درحقیقت کسی راکه نزد خود بهائی میدانست مورد آزمایش قرار داده وباو تکلیف مشروب نموده بود تا بداند بهائی چه نوع اخلاقی دارد. این حکایت میکند که چگونه غیر بهائیان همیشه ما را تحت آزمایش دارند تا بدانند که ما چقدر در اجرای احکام خویش باید از وفادار اریم. بهمین جهت قبول مشروب از طرف آنخانم برای او تأثرآور بود زیرا یکباره بافکار عالیه او نسبت بامر بهائی لطمه زده بود ضمنا باکمال مسرت علاوه میکنم که این دختر بعدا بهائی نورانی وفعالی شد.

یکی از علل بیدینی مردم این است که در کنائس ومساجد وکلیساها نفوسیکه عامل باحکام شریعت خویش باشند یافت نمیشود همه دین قولی است وتشهد زبانی ودعوی خیالی وچنین دینی مرده وبیروح است. بهمین جهت است که حضرت بهاءالله وحضرت عبدالبهاء تا این حد بالاستمرار اهمیت اعمال وافعال بهائی را بما گوشزد فرموده اند اگر ما درست در تعالیم خویش فوررودقت کنیم پی میبریم که در این آئین نازنین مظهر ظهور حجاب های پیشین راخرق فرموده اند در گذشته ایام اقرار واعتراف دلیل کافی برای ایمان بود ولی الیوم اقرار واعتراف کافی نیست وباید مستظهر باعمال و افعال باشد چنانکه میفرماید (ترجمه) " الیوم جز عمل طاهر چیزی عندالله مقبول نه "

ما هم تبلیغ عمومی میکنیم هم تبلیغ انفرادی ـ بعلاوه با هرکه تماس داریم ندای امرالله را بگوشش میرسانیم با همه این احوال چرا عده مصدقین اینقدر کمند ؟ ما فرض میکنیم که ده درصد جمعیت امریکا (واین فرض کاملا خیالی است زیرا بسدا

اطلاعی نداریم که وضع ومبنای احصای دقیق آن چیست) در ایالات متحده مایق بکسب اطلاع از تعالیم الهی یا شد ومنظور ما از این اظهار نفوسی است که ممکن است بهائی شوند ویا آنکه پس از استماع پیام مبارک بعدها بحلیه ایمان فائز گردند دائره این فرض را خوب است قدری وسعت داده بگوئیم که در یک شهر صد هزار نفری دو درصد اهالی یعنی دو هزار نفر اگر بنحو مناسب از امر اطلاع حاصل کنند ممکن است بهائی شوند چرا ما با این دو هزار نفر تماس نداریم و با آنها نزدیک نمیشویم زیرا و لا من آنها از سن محصلین مدارس عالی تا پیران سالخورده مقیم بستر بیماری است و نفوس از هر طبقه از اشراف مقیم برد امنه تلال پر جلال تا زنهای خادمه ترین که تا ساعت چهار بعد از نصف شب به تنظیف ترنها مشغولند درزمره آنانند • فرض کنیم که این شهر تازه در دسترس فعالیت تبلیغی درآمده آیا مهاجر یا مهاجرینی که در این شهر مشغول خدمتند راهی برای تماس با این طبقات که در جهات مخالف اجتماعند بدست میآورند ؟ جواب این سئوال البته منفی است • آیا احتمال میتوان داد که این نفوس بجلسات عمومی تبلیغی میآیند یقین است که چنین نیست فی الحقیقه اگر در این امر بتجزیه و تحلیل عقلی معتقد باشیم باید بگوئیم که شعاع تماس های عادی بهائی با غیر بهائی بسیار محدود و کوتاه است • اقلیت بسیار قلیل اهالی امریکا عادة بسه جلسات وعظ وخطابه میروند وآنهائی هم که میروند معتاد باین جلساتند وبهمه جا میروند • اگرچه نطق عمومی وجلسه تبلیغ جمعی وسیله خوبی برای تبلیغ است ولکن نباید انتظار نتایج بسیاری از آن داشت • درشهر مونترال کانادا در یکی از معروف ترین کلیساها سخنرانی عمومی برای جمیع طبقات مردم تشکیل میشود در این جلسات خطبا وناطقین درجه یک امریکا صحبت میکنند واسامی نفوسی مانند جولیان هاکسلی برتراند راسل سیراجیناهاند ر در لیست ناطقین این جلسات دیده میشود معهذا عده مستمعین زیاد نیست ما باید بالاستمرار رویه آداره جلسات عمومی تبلیغ را اصلاح کنیم و ناطقین بهائی خوبی برای این جلسات تعیین نمائیم ومبلغین مهربان فهیم برای ادامه صحبت بعد از جلسه با حاضرین تعیین کنیم ولی نباید انتظار داشت که این سبک ورویه وسیله موثری برای تماس یافتن با عده زیادی از آن دو هزار نفوس مستعده که در انتظار استماع پیام الهی هستند باشد •

* * *

اهمیت نقشه چهارساله ترقی نسوان

چنانچه خوانندگان عزیز بخوبی مسبوق و مستحضرند نقشه چهارساله ترقی نسوان که بلحاظ انور اقدس مولای توانا حضرت ولی امرالله ارواحنا لعنایاته الفداء فائز ومورد تحسین وتمجید وفیر هیکل مبارک واقع شده واجرای آنرا " از لوازم ضروریه جامعه در این ایام محسوب فرموده اند و درخاتمه آن " باید مساوات حقوق طرفین در جمیع شئون چه روحانی وچه اداری ثابت و مدلل گردد " قریبا بپایان میرسد •

نتائج حاصله از این نقشه باتوجه بنکات ذیل بسیار مطلوب بوده است :

اولا — با فقدان وسائل مادی وموانع ومشکلات و تضییقات موجوده دراکثر نقاط حضرات اماء الرحمن عزیز ایران بترقیات محسوس ونمایان در این مدت قلیله نائل گشته اند • در بسیاری از مراکز امری که محفل مقدس روحانی دایر است لجنه ترقی نسوان نیز تشکیل وکلاسهای تعلیم سواد تاسیس گشته وطبق اطلاعات مسرت بخشی که تاکنون واصل شده اماء الرحمن در اکثر نقاط ایران بکسب اطلاعات ومعلومات لازمه طبق نقشه موفق گردیده اند واگر بگوئیم عده نسوان با سواد بهائی نسبت باحصائیه وجمعیت و

سوابق ایشان کمتر از عده رجال با سواد نیست و یا تعداد نسوانیکه در این چهار سال موفق بکسب فضائل ومعلومات امری شده اند برعده رجال همردیف آنان فزونی یافته زیاد اغراق نگفته وراه خطا نپیموده ایم .

ثانیا – این نقشه که مورد تصویب وتأیید مبارك قرارگرفته وتأییدات شدیده مولای عزیز حامی ومعین آن بوده در جامعه نسوان بهائی تأثیرات عظیمه بخشیده ومحرك آنان باخذ فضائل ورفع نواقص گردیده است بنا براین در عین حال که خاتمه این نقشه را نزدیك می بینیم در حقیقت آنرا باید مقدمه برای ترقیات آتیه خویش بدانیم زیرا کمالات ومعلومات علی الخصوص – اطلاعات امری ومعنوی را نمیتوان محدود بحدودی نمود وهرقدر انسان بیشتر کسب معلومات پرداز د خود را بیشتر محتاج آن می بیند وحال که در اثر اجرای نقشه چهار ساله وظائف وتکالیفی بعهده نسوان بهائی گذاشته شده وبمرحله عمل نیز وارد گردیده است باید اولا – این موضوع را تعقیب نموده واز هرفرصتی برای ازدیاد اطلاعات مادی وروحانی خویش حد اکثر استفاده را بنمائیم .

ثانیا – بشکرانه این عطیه کبری ونعمت عظمی (مساوات حقوق رجال ونساء) که در این دور اعظم بصرف فضل وموهبت نصیب جامعه نسوان بهائی گردیده بآنچه شایسته وسزاوار این ایام است قیام نمائیم – قدم در میدان خدمت گذاریم و در جمیع شئون چه روحانی وچه اداری شریك وسهیم واقعی وحقیقی رجال گردیم – به نساء شهیره اکا بر بهائی که در شرق وغرب بخدمات باهره روحانیه موفق بوده اند تاسی کنیم مظهر انقطاع وطهارت و انجذاب وشهامت وخلوص وفعالیت وفصاحت و بلاغت گردیم – بانتباه نفوس غافله پردازیم وبا صفوف شبهات مبارزه نمائیم ودر عین حال یقین کامل داشته باشیم که خدمات خالصانه ما نیز چون خدمات صادقانه برادران ما در پیشگاه حضرت معبود مقبول ومحبوب است انتهی

لجنهٔ ملی ترقی نسوان

* * *

شرح حال فائیه سدهی

بقلم جناب ذکائی بیضائی

فائیه سدهی – سیده ای شیرین بیان و شاعره خوش قریحه است اسمش شیرین جهان بیگم وخواهر کوچکتر جناب نیروسینا (؟) وشاعر ومبلغ مشهور بهائی است در سال ۱۲۶۷ هجری قمری در قریه فروشان سده اصفهان متولد شده وبعد از احراز رشد وتشکیل عائله از قریه مزبوره بشهر اصفهان نقل مکان نموده ودر کرشك محله بید آباد سکونت گزیده است . مشار الیها باقتضای قریحه جبلی وذوق فطری اشتیاق تمامی بشعر وادب داشته ودر مواقع فراغت بسرودن شعر می پرداخته وسیده تخلص مینموده ولی بعد از ایمان بامر تخلص خود را بفائیه تبدیل نموده است .

شرح تصدیقش را خود ضمن منظومه مفصل بیان نموده واجمال آن این است که شبی در عالم رؤیا مشاهده میکند که عالم تیره وتار گردیده واو از هیچ طرف راه بجائی نمیبرد وحشت براو غلبه میکند وترس سراپای اورا فرا میگیرد در اینحال پیر مردی نورانی در نظرش پدیدار میگردد از او خواهش میکند که وی را رهبری کند وبجائی برساند پیر خواهش او را پذیرفته روان میشوند تا آنکه نوری آشکار میگردد وپیر ناپدید میشود . فائیه میگوید نزدیك شدم دیدم آن نور حوض آبی بود که درخشان چو آفتابی بود در اینحال دستی از آب بیرون آمد جام آبی در کف داشت وندائی صدا بگوش رسید که بستان جام آب را وبنوش که هرکه از

آب بنوشند سرقیب براو آشکار خواهد شد میگوید
من آن آب را نه طعمی بسیار لذیذ داشت نوشیدم
سپس با خود میاندیشیدم که این آب ودست وجام
چه برد که با زندانی شنیدم که گفت (بیقین
دان که دست دست بهاست) در اینحال از
خواب بیدار شدم ۰

پنجسال بعد از این واقعه یعنی در سال ۱۳۰٤
هجری قمری ضوضائی برپا شد وسرایت بسده
نمود ودر نتیجه پنج نفر را که عبارت بودند از نیر
سینا میرزا نعیم و دو نفر دیگر بیك ریسمان بستند
ودر سرگذرها بشدت چوبکاری نموده ومنازل —
آنها را غارت کردند قائیه میگوید

باکسی گفتم این هیاهو چیست
زانکه ظاهر خطا در اینها نیست
گفت اینها بها پرست شدند
از می جذب وشوق مست شدند

وقتی اسم بها شنیدم برخود لرزیده وبیاد خواب
وجام آب افتادم وچون ضوضا خاتمه یافت بمحضر
سینا شتافته وخواب خود را برای او تعریف کرده
وتـ برخواستم خلاصه در اثر سئوال وجواب زیاد
سرکار رفانیه موفق بایمان میشود ودر سال ۱۳۱۳
قمری هجری نیز که برادرانش مقیم طهران
بوده اند بطهران مهاجرت نموده ودیگر تا آخر
عمر در این شهر سکونت داشته است ۰

اینك ابیاتی چند از خوابنامه او که از نظر
تاریخی قابل توجه ونیز نموداری از آثار قریحه
اوست ذیلا از نظر قارئین محترم میگذرد :

مدت پنجسال در تب وتاب
بردمی از وقایع آن خواب
تاکه در سین ودال ضوضاء شد
هر طرف هایوهوی وغوغا شد
اول حوت بود وسرما بود
بهر احباب شور وغوغا بود
الغرض مردم بهانه طلب
از غرض جانشان رسیده بلب
خط وشعر نعیم را بردند
دربرد تب وشکوه ها کردند
که ببین دین حق رها کرده است
چقدر رها بهاء بهاء کرده است
بسکه گردند خلق سعی وتلاش
آمد از شهر نایب وفراش
رقم جلب بابیان آورد
حکم قتل بهائیان آورد
الغرض خلق شاهد آوردند
یك بیك رامعرفی کردند
خلق وفراش جملگی بشتاب
بگرفتند راه براحباب
پنج تن را بیك رسن بستند
ازرسن کتفهایشان خستند
تن آن پنج هیکل محبوب
گشت مستور زیر بزه چوب
آنچنان کرد رخت ریزد برگ
چوب بسارید شان بسان تگرگ
نام آن پنج تن اگر خواهی
تو بدانی زروی آگاهی
اولین نیر ودوم سینا
بود سوم نعیم غم فرسا
چارمین بود سید محمد زار
پنجمینشان تقی دل افکار
وارد آمد از آن ستم کیشان
صدمه های عظیم برایشان
سرو پای برهنه در بازار
میکشیدند شان بصد آزار
ازسربام هایشان برسر
هرطرف ریخت خاك وخاکستر
برسر هر کدار پای نعیم
بسته گردید خورد چوب عظیم
یکشبانروز در شکنجه بدند
ازهیاهوی خلق رنجه بدند

همه بیگانه و هم از خویشان
طعنه ها میزدند برایشان
که شما گمرهان سزاوارید
که بدین صدمه ها گرفتارید
همینمائیم مالتان تاراج
از وطن میکنیمتان اخراج
سپه ظلم شد هجوم آور
تا رسیدند جمله در پس در
زانمیان ظالمی دلمراخست
شیشه نفت و آتشی بردست
میدوید از میانه ضوضا
شد چو نزدیک خانه سینا
نفت بر در زد آتشی افروخت
تا در آن سرا تمامش سوخت
گشت خانه ز دود چون شب تار
گوئیا شد بدل بلیل نهار

* * *

تاریخچه حقوق نسوان

بقیه از شماره قبل

بقلم : جناب بشیرالهی

پس از اینکه جنگ بین المللی دوم بپایان رسید و غبار رودهان عظیمی که بپا کرده بود فرو نشست سران قوم و روءسای کشورها باز بدور هم جمع آمدند و از مصیبتهائی که بر اثر آتش جنگ خانمانسوز بر عالم انسانیت وارد آمده تجربه ها آموخته در مصالح اقوام و ملل بگفتگو پرداختند و این بار چون نائره جنگ جهانگیر قهرا حجبا را بسیاری از حدودات و تعصبات بیجا و عتیق را سوخته و استعداد حریت و آزادی جنسی و وطنی و اجتماعی را در نفوس بوجود آورده بود لاجرم با فکری روشن تر و احساساتی جدید بانجام تمایلات ملل مخصوصا طبقات محروم جامعه پرداخته در شهر سانفرانسیسکو کنفرانسی عظیم مرکب از نمایندگان اکثر ملل برپا ساختند و در این کنفرانس بود که بهمت رجال عالیقدر و در نتیجه افکار عالیه سران ملتها و بنا بتجربیات گذشته و باقتضای وقایع و اصول جهان اساس منشور سازمان ملل متحد یعنی موسسه عظیمی که باید جانشین و نعم البدل جامعه ملل سابق بوده و مشکلات کار آنرا حل نماید بر پایه ٔ نسبتا محکم و رصین ریخته شد . در ۱۹۱۹ پیمان جامعه ملل سابق تنها در امورود اخلی خود ذکری از حقوق نسوان کرده بود ولی بیست و پنج سال بعد یعنی در سال ۱۹۴۵ در سانفرانسیسکو تنظیم کنندگان منشور سازمان ملل متحد با فکری روشن تر و نظری وسیعتر و فهم و درایتی عمیقتر درباره تساوی حقوق زن و مرد قضاوت نمودند چنانکه مقدمه منشور مزبور از قول ملل متحد چنین میگوید :
" ایمان خود را نسبت بحقوق اساسی بشر و مقام و ارزش افراد انسانی و تساوی حقوق مرد و زن و ملل بزرگ و کوچک تایید میکنیم " و در جای دیگر میگوید یکی از مقاصد مهمه سازمان ملل متحد اینست که " . . . بوسیله توسعه و تشویق احترام حقوق انسانی و تاءمین آزادیهای اساسی برای همه بدون اختلاف نژاد و جنس و زبان و دیانت معاضدت بین المللی تحقق یابد "
چون مشیت غالبه الهیه در این دور مبارک بر تساوی حقوق رجال و نساء تعلق گرفته اسباب و وسائل آن را نیز مهیا فرموده است از آنجمله شرکت موءثر زنان در جمیع امور با مردان است که نسوان در جمیع شئون و موارد همدوش با مردان قدم برداشته استعداد و کفایت خود را عملا مشهود و ظاهر ساختند و حتی اغلب در مسائل مخابرات و ارتباط و بهداشت و اداره کارخانه و مسائل متعدده دیگر بیش از مردان از خود استعداد بروز دادند و ثانیا

مرهون اقدامات آن عده زنانی است که نظر بشخصیت عالی ومقام رفیع خود بالاستحقاق در کنفرانس سانفرانسیسکو عضویت وشرکت داشتند مانند مادام روزولت وجمعی دیگرکه شهرت بین المللی دارند ◦ بهرتقدیر آنچه مسلم است اینست که بنا بتوصیه کنفرانس ملل امریکائی عده زیادی زنان در هیئتهای نمایندگی ملل امریکائی عضویت داشته ودرکنفرانس سانفرانسیسکو شرکت کردند ومقتضیات زمان نیزکه باراده غالبه الهیه فراهم آمده بود ایجاب میکردکه قدمی بزرگ درسبیل تساوی حقوق رجال ونساءکه از لوازم مدنیت نافعه وکمال بشری است برداشته شود خلاصه اینکه سازمان ملل متحد با اتخاذ این تصمیمات ودرج وقید آنها درمقدمه منشورملل متحد قدم بلندی درسبیل تحقق این آرزو برداشت واین وظیفه مهم ومسئولیت خطیررا بعهده شورای اقتصادی واجتماعی یکی ازارکان اربعه وشعبات مهم سازمان ملل محول داشت که "رعایت کامل حقوق انسانی وآزادیهای اساسی رابرای همه افراد ازهرنژاد وجنس وزبان ومذهب تاًمین نماید "

شورای اقتصادی واجتماعی برای نخستین بار درماه فوریه ۱۹٤٦ تشکیل جلسه داد وتصمیم گرفت هیئتهای مشورتی مرکب ازکارشناسان و متخصصین فن برای انجام امورمختلفی که بعهده داشته نامزد ومعین نماید ویکی ازاین هیئتها همان کمیسیون حقوق بشراست که کمیته فرعی حقوق نسوان بسته بآنست ◦ این هیئتها عموما ازماههای آوریل ومه ۱۹٤٦ شروع بعمل کرده و ماه بعد نتیجه مطالعات مقدماتی خود را بعرض دومین دوره اجلاسیه شورای اقتصادی واجتماعی رسانیدند ◦ درهمین دوره اجلاسیه بودکه شورای مزبوردرتاریخ ۲۱ ژوئن ۱۹٤٦ تصمیم گرفت یك کمیسیون عمومی ومخصوص برای مسئله حقوق نسوان تشکیل گردد واین کمیسیون مرکب از پانزده عضونمایندگی ازپانزده کشورتشکیل یافته وظیفه داربود مانند یك هیئت متخصصین وخبره باشورای اقتصادی واجتماعی مساعدت وهمکاری کرده ودرباره حقوق سیاسی واقتصادی واجتماعی زنان وهمچنین حقوق زنان درتعلیم وتربیت توصیه هارا برنهائی برای شوری تهیه نماید ضمنا دبیرکل سازمان ملل متحد نیزماًمورشده بود برای تنظیم وتدوین طرح قانونی بمنظوربهبود وضع زنان دردنیا باکمیسیون مزبورهمکاری و معاضدت نماید ◦

برای عضویت این کمیسیون شرایطی درنظرگرفته شدکه اولا اشخاص زبردست وبرجسته ومطلع انتخاب شوند وثانیا طوری باشدکه ازهمه کشورها بنوبت بتوانند درآن شرکت جویند و خلاصه اینکه این کمیسیون پس ازتشکیل بحث و شورومطالعه شالوده واساس فعالیت خود را بر این مبانی قرارداد :

۱ــ آزادی وتساوی درحقوق لازمه پیشرفت حیات انسانی است وچون زن هم مانند مرد ثمره شجره انسانیت است لهذا حق دارد درجمیع اموربا اوسهیم باشد ◦

۲ــ آسایش وتعالی جامعه انسانی منوط بآنست که مرد وزن بطورکامل شخصیت خود را بروز داده ووظائفی که درباره خود ودیگران بعهده دارند بخوبی انجام دهند ◦

۳ــ برای تشکیل یك جامعه آزاد وسالم وسعادتمند ومهذب زن وظائف مخصوصی بعهده دارد وموفق بانجام وظائف خود نخواهد گردید مگراینکه آزاد وازحقوق خود برخوردار باشد ◦

٤ــ زن باید برای قلع وقمع فکرتجاوزوتهاجم وهمچنین تشریك مساعی بین المللی برای تاًسیس یك صلح دمکراتیك میان کافه ملل وجلوگیری از جنگ جدید مشارکت عملی داشته باشد ◦

۵ــ وبرای نیل باین مقصد عظمی کمیسیون باید صرفنظر از ملیت ونژاد وزبان ومذهب افراد وضع وموقف زنان را تا حصول تساوی کامل با مردان در هر رشته ومرحله بالا ببرد ودر رکتب قوانین ملل و قواعد حقوقی وهمچنین تفسیراتی که از قوانین موضوعه میشود هرگونه تبعیضی نسبت بحقوق و شئون نسوان وجود دارد بتدریج وقطعیا از میان ببرد ۰

(بقیه دارد)

* * *

نامه واصله ازجناب ذکائی بیضائی

اخیرا نامه ازجناب ذکائی بیضائی رسیده که عینا نقل میشود :

لجنه مجلله ملی ترقی نسوان دامت
تائیداتهـا

محترما بازیارت شماره چهارم سال سوم مجله ترانه امید بعرض تذکر یل زحمت میدهد :

درغزل دوم ازدو غزلیکه منسوب بحضرت طاهره درمجله مذکوره درج گردیده تخلیطی شده که تصورمیکنم لازم باشد به تفکیک واصلاح آن اقدام گردد ۰ تخلیط مزبورعبارت ازاین است که غزل معروف لمعات وجهك اشرقت وشعاع طلعتك اعتلا الی آخر متعلق بصحبت لاری است که ازشعرای عالم زمانی نزدیك بزمان حضرت نقطه اولی بوده ودردیوان او هم که موسوم بتاج الدواوین میباشد این غزل چاپ شده است وتاکنون نیزهرجاد راوراق ادبی آمری این غزل راکه اشتباها بنام حضرت طاهره ضبط گردیده دیده ام جداگانه بنام اونوشته اند جزدر این مورد که آنرا باغزل مسلم حضرت طاهره (جذبات شوقك الجمت) الی آخرمخلوط کرده اند ۰ علت اینکه این غزل اشتباها بنام حضرت طاهره شهرت یافته این بوده که معظم لها این غزل را فوق العاده دوست میداشته و اغلب با بیات آن مترنم بوده وحتی غزل جذبات شوقك الجمت را با ستقبال آن غزل ساخته است بهرحال غزل لمعات وجهك اشرقت ازصحبت است ۰

ودیگر اینکه درابیات مربوط بغزل خود حضرت طاهره هم درمجله مورد بحث یك بیت که میتوان آنرا شاه بیت غزل مزبورنامید ازقلم افتاده است (توومُلك وجاه سکندری) الی آخر اینك برای روشن شدن موضوع هریك ازدو غزل راتفکیکا نگاشته بضمیمه تقدیم میدارد که اگر لازم باشد درشماره بعدی مجله تذکری بدهند.

باتقدیم احترام ــ ذکائی بیضائی

* غــزل حضرت طاهره *

جذبات شوقك الجمت بسلاسل الغم والبلا
همه عاشقان شکسته دل که دهند جان بره ولا
اگرآن صنم زره ستم پی کشتنم بنهد قدم
لقد استقام بسیفه فلقد رضیت بما رضی
سحرآن نگارستمگرم قدمی نهاده ببسترم
فاذا رایت جماله طلع الصباح کانما
نه چوزلف غالیه بار اونه چوچشم فتنه شعار او
شده نافه ئی بهمه ختن شده کافری بهمه ختا
توکه غافل ازمی وشاهدی پی مرد زاهد و عابدی
چکنم که کافرجاحدی زخلوص نیت اصفیا
توومُلك وجاه سکندری من ورسم وراه قلندری
اگرآن نکوست تودرخوری وگراین بد است مرا سزا
بمراد زلف معلقی پی اسب وزین مغرقی
همه عمرمنکرمطلقی زفقیر فارغ بینوا
بگذرزمنزل ماومن بگزین بملك فنا وطن
فاذا فعلت بمثل ذا فلقد بلغت بما تشا

* غــزل صحــبت لاری *

لمعات وجهك اشرقت وشعاع طلعتك اعتــــلا — زچه روالست وبربكم نزنی بـــزن كه بــلا بــلا
بجواب طبل الست اوزولا چوكـــوس بـــلا زدم — همه خیمه زد بدرد لـــم سپـــه غم وحشم بـــلا
پی خوان دعوت عشق اوهمه شب زخیل كروبیـــان — رسد این صفیرمهیمنی كه كروه غمزده الصـــلا
من ومهرآنمه خوبروكه چوزد صـــلای بـــلا بـــراو — بنشاط وقهقهه شد فرو كه انا الشهید بكربـــلا
چه خوش آنكه آتش غیرتی زلیم بقله طـــور دل — فدككته وسككته متدكدكـــامتـــزلـــزلا
چونلید ناله مرگ من پی سازمن شد وبــــرگ من — فاتی الـــی مهرولا وبكـــی قلی مجـــلجـــلا
تونه قلی ماهی حیرتی چه زنی زبحروجــــود دم — بنشین چوصحبت ودمبدم بشنوخروش نهنگ لا

* * *

قسمتی ازنامه واصله جنـــاب
احمد یزدانی ازهندوستـــان

دراین سفرازاین حیث مخصوصا خیلی محظوظ وشاكرم كه خانـــواده های بهائی وخصوصـــــا اماءالرحمن را زیارت كردم كه فی الحقیقه هریك در صفات وكمالات روحانی وخلوص وخدمتگذاری نمونه های بارزی بودند ازجمله درشهرسورت خانواده مرحوم وكیل كه یكنفرهندی بوده وچند سال قبل صعود كرده مركب است ازیـــك زوجه ودودختربزرگ این سه نفرخانم فی الحقیقه درخدمت ومعرفت وخلوص وادب ووقارسرمشق ونمونه كاملی هستند عمـــوم احباء الهی باین سه نفرخانم تحسین وتمجیـــد میكنند زیرا پس ازصعود مرحوم وكیل این سه نفـــر بدون سرپرست وبا وجودعداوت ومخالفت هـــای شدید خویشان نزدیك باستقامت كبری فائز ودر شهرسورت چراغ هدایت شده اند واقعا مردم بآنها بانظراحترام مینگرند درنهایت وقارونجابـــت و قناعت زندگانی میكنند وتمام مشغول خدمت هستند معلومات واطلاعات آنهاهم درامرخوب است در سفری كه باتفاق مرحوم وكیل بساحت اقدس مشرف شده اند حضرت ورقه مباركه علیا مادررا بهیـــه و دختربزرگ را باهره ودخترکوچکتر راكه حالا ٢٤ ساله است طاهره لقب عنایت فرموده انداین دو خواهرچند زبان میدانند ودرجلسه نطقی كه در منزل آنها كه مركزرسمی امرهم هست تشكیل شـــد خواهربزرگترا بتداء مناجات تلاوت نمود ودرآخر هم سرود امری بزبان گجراتی وآهنگ خوش خواند وبااینكه بزبان فارسی نمیتوانند تكلم كنند معهـــدا مناجـــاتهای فارسی حفظ كرده تلاوت میكننـــد فی الحقیقه وقتی انسان دربین این خانواده است یك نفحه طیبه روحانیت استشمام میكند كه دماغ دل وجان انسان معطرمیشود ٠

دربونه روزاول ورود مجلس اماءالرحمن ودر آنجاتقاضاكردند موجبات ترقی وتعـــالـــی اماءالرحمن را شرح دهم بنده هم بقدری كه وقت اجازه میداد صحبت كردم ووعده دادم كه كتاب مقام وحقوق زن در دیانت بهائی برای شماخواهد آمدآنرامطالعه ومذاكره كنید ٠

استعداد حضرات نسوان غیربهائی هم در دونوبت محسوس همه احباب شـــد یكـــی در Gok H ale Hall كه صحبت مفصلـــی درباب ضرورت ووحـــدت دین ولزوم تجدید آن بعمـــل آمدمشاهده شـــد یكنفرخـــانم درآخر سالون نشسته وگاهی یادداشت میكند و نزدیك ماهم نیامدروزبعد دیدیم درروزنامــــه "دهلی نیزیونا" خلاصه نطق بطوروضوح درج شده معلوم شدآنخانم مخبرروزنامه بوده كه اینطورخوب و

کامل نطق را فهمیده و خلاصه کرده و حال آنکه در روز قبل دوازده نفر مدیران جرائد در مصاحبه یادداشتهائی کرده‌اند که روز بعد در مطلب غلط درج کرده بودند که ناچار به تصحیح شدیم ولی این خانم بدون مراجعه بما تمام نطق را بسیار خوب و صحیح خلاصه کرده بود لذا محفل مقدس روحانی پونه یکجلد کتاب بهاءالله و عصر جدید با اظهار تقدیر و امتنان برای آنخانم فرستادند .

دیگر آنکه در فرگوسن کالج که ۱۵۰۰ نفر محصل و محصله حضور داشتند در قسمتی که دختران قریب هشتاد نفر نشسته بودند موقر و آرام و با دقت تمام نطق را گوش میدادند و بعضی هم یادداشت میکردند بطوریکه احبائیکه حضور داشتند همه شهادت دادند که حقیقة در این ظهور مبارک استعداد مخصوصی در نسوان خلق شده است و در آخر نطق بنده اشاره کردم باینکه حضرت عبدالبهاء میفرمایند بعضی صفات و کمالات در نسوان زیادتر از مردهاست نمونه آن همین جا محسوس شد که دختران خوب توجه میکنند و خیلی آرام و باوقارند ولی پسران چنین نیستند همین اظهار خیلی باعث دست زدن و سرور همه گردید

* * *

حسادت اطفال

ترجمه بقلم : طاهره خانم ژوبین

چندی قبل پسر دوساله یکی از دوستانم در اثر جزئی غفلت به میان خیابان دوید و بلافاصله در زیر چرخهای ماشین که بسرعت عبور میکرد جان سپرد البته تاسف و تاثر پدر و مادر او از این حادثه جانگداز ناگفتنی است ولی آنچه برایشان دیگر غیر قابل تحمل بود عکس العملی بود که دختر پنجساله آنها از این واقعه نشان میداد این کودک نه تنها ابراز تاسف نمیکرد بلکه بیش از اندازه خوشحال و خرسند بود در خانه میدوید و با شادمانی فریاد میکرد حالا دیگر جائی نمیتوانند اسباب بازیهای مرا بردارند دیگر کسی نیست که عروسکهای مرا پاره کند در حالیکه مقصود حقیقی او این بود حالا دیگر تمام محبت والدینم منحصر بمن است دیگر مجبور نیستم که با برادرم آنرا قسمت کنم اغلب پدران و مادران انتظار دارند که طفل آنها نسبت برفتار و حرکات خواهر یا برادر کوچکترش بی اعتنا باشد و همانقدر که آنها نسبت به کودک علاقه نشان میدهند طفل هم با محبت و مهربانی کند و فقط عده کمی هستند که میتوانند پی باحساسات طفلی که با خواهر یا برادر کوچکترش مواجه میشود ببرند یکی از دوستانم میگفت که پسر چهارساله اش کودک چندماهه را روی بخاری گرم گذاشته و سوزانیده بود این کار پدر و مادر را سخت نگران کرده و از ترس اینکه مبادا طفل آنها جنون جنایت داشته باشد او را نزد پزشک روانشناس میبرند و قضیه را با او در میان مینهند ولی پزشک روانشناس آنها را مطمئن میسازد که در اخلاق طفل نقص و عیب قابل توجهی وجود ندارد فقط سهل انگاری و بی اعتنائی والدین نسبت به احساسات طفل باعث این عمل گردیده .

اغلب پدران و مادران فراموش میکنند که پایه ریشه حسادت اطفال را در محبت جست وقتیکه ما کسی را حقیقة دوست داریم میخواهیم که در قلب او مقام اول را داشته باشیم آنچه احساسات شخص را جریحه دار میکند این است که به بیند بخاطر شخص دیگر از چشم آنکه محبوب اوست افتاده برای کودکی که هنوز وقت و فرصت رشد فکری کافی نداشته که بداند همیشه تنها اولاد پدر و مادر نخواهد بود آمدن طفلی دیگر با محبت و مراقبتهائی که صرف او میشود خطر بزرگی بشمار میرود . خانم دکتر ماری اونیل هاکین پزشک انستیتو روانشناس نیویورک مثل خوبی در این باره میزند او میگوید تصور کنید که شما خانم خانه دار

وقتی شوهرشان روزی غفلتاً با زنی از در وارد شد و گفت عزیزم آنقدر از تو خوشم میآید و آنقدر زن خوبی هستی که تصمیم گرفته ام یکی دیگر هم بگیرم حسادت نکنی ترا باندازه همیشه دوست دارم چه حالتی در شما ایجاد خواهد شد و چه عکس العملی را نشان خواهید داد حالا متوجه شدید تقریباً همین حالت بطفلی که ناگهان و بدون سابقه با کودک نوزادی در خانواده اش روبرو میشود دست میدهد این حالت جز حسادت شدید چیز دیگری نخواهد بود برای آنکه طفل را از عواقب سوء حسادت که گریبانگیر خود او و دیگران خواهد شد نجات بخشند بهترین راه آنستکه مادر قبلاً ذهن او را برای روبروشدن با طفل جدید آماده سازد بایستی طوری با طفل صحبت کنید که او احساس کند همانطورکه کودک نوزاد به پدر و مادرش تعلق خواهد داشت باز هم متعلق خواهد بود خانمی در وقت خواب دخترش با بیانی شیرین از اینکه چگونه هرکدام با کمک یکدیگر کارهای نوزاد را انجام خواهند داد صحبت میکرد و مادری دیگر تعیین اسم نوزاد را بعهده دختر کوچکش گذارده بود و باینطریق این دو مادر دانا طفل را در کارهای نوزاد سهیم نموده و مانع بروز حس حسادت او شدند البته این اقدامات در صورتی مفید است و منتج به نتیجه میگردد که طفل راجع بآن علاقه و رغبتی نشان دهد وگرنه بهتر است که گفتگوی مربوط به نوزاد محدود گردد در هر حال هرچه میگوئید مراقب باشید که در پیش او اگر دختر است آرزوی داشتن پسر و بالعکس اگر پسر است آرزوی داشتن دختر را ننمائید این فکر که طفل را بکودکستان فرستند فکر خوبی است ولی بهتر است اینکار یعنی جدا کردن طفل از مادر و فرستادن او بکودکستان چند ماه قبل از دنیا آمدن نوزاد انجام گیرد و یا اگر میخواهند تغییراتی در وضع خانه ایجاد نمایند مثلاً اطاق و تخت او را جدا کنند باز هم بهتر است اینکارها تنها قبل انجام گیرد تا طفل این تغییرات و جدا شدن از مادر را نتیجه آن مولود جدید ندانسته و حسادتش نسبت باو تحریک نگردد. مسئله دیگری که مادر با آن روبرو میشود وقتی است که نوزاد بدنیا میآید. امروزه بسیاری از خانواده ها مادر برای وضع حمل به بیمارستان میروند و مجبور است که طفلش را در خانه و یا بیکی از اقوام نزدیک خود بسپارد. ماندن در خانه و جدا شدن از مادر فکر او را پریشان و ناراحت میکند بهتر است که مادر از مقررات وضع بیمارستان و آنکه نمیتواند او را همراه خود برد با طفل صحبت کند و همچنین بایستی او را با شخصیکه مراقبتش را برعهده میگیرد بیشتر آشنا سازد و اگر او را بمنزل یکی از اقوام میفرستند صلاح آنست که قبلاً یکی دو بار مادر او را همراه خود آنجا برد تا طفل یکباره احساس تنهائی نکند در وقت مراجعت مادر و نوزاد از بیمارستان بهتر است که طفل بزرگتر را برای گردش به بیرون برند تا ناظر توجه و محبتهای مادر و اقوام نسبت به نوزاد نباشد و وقتیکه تمام کارها منظم و مرتب گردید و نوزاد در جای خود گذاشته شد او را بخانه آورند تا با آغوش باز مادرش استقبال شود. شاید اینهمه ترتیبات و کارها در نظر بعضی زیاده از حد برسد ولی اطفالی را میشناسم که در اثر حسادت تغییرات فیزیولوژی در آنها بوجود آمده و مبتلا به تنگ نفس لکنت زبان و عوارض دیگر شده اند.

بجز والدین کسان دیگری که در تماس بیشتری با طفل هستند باید مراقب حرکات خود باشند و طوری رفتار نمایند که حس حسادت او را تحریک ننمایند. چندی قبل بدیدن خانمی رفته بودم این خانم در غیاب دخترش از دو طفل او مواظبت مینمود یکی از آنها دختری پنجساله بود و دیگری کودکی نوزاد وقتیکه خانم مشغول نوازش کودک نوزاد بود ناگهان یعنی آن دختر پنجساله لیوان شیری را که در دست داشت زمین ریخت مادربزرگ با اوقات تلخی و دعوا شیر را پاک کرد و گفت اصلاً دختر باین بزرگی نمیتواند یک لیوان شیر دست بگیرد در این وقت ناگهان اجازه

گرفت که بچه را بغل کند مادربزرگش درحالیکه با اکراه بچه را با ومیداد گفت دکترهم اجازه داده که اوبچه را نگاه دارد اما اگربدانید که چه دختر سربهوائی است نانسی هم بچه را طوری به شدت دربغلش تکان میداد که عاقبت جیغ وداد بچه بلند شد فریاد مادربزرگش هم بآسمان رفت بچه را ازدست اوگرفت وباعصبانیت گفت خجالت بکش دختربا این بزرگی بلد نیست بچه باین کوچکی را نگاهدارد اصلا دیگرمادرت تراد وست ندارد این خانم ازمنشاء اصلی ومسبب واقعی حرکات نانسی بیخبربود وبا وجود این با این روش یعنی باتهدید کردن باینکه مادرش اورا د وست نخواهد داشت میخواست رفتار اورا اصلاح نماید درصورتیکه اینکار نه تنها نتیجه ٔ نمیداد بلکه حسادت را بیشتر در اوبرمیانگیخت ووقتیکه وضعیت را باین حال میدید آنرا درتنهائی خود مستورمینمود وبموقع ازآن استفاده میکرد .

دربسیاری موارد وقتی والدین نشانه ٔ از حسادت طفل نسبت بخواهر یا برادرکوچکش ندیدند فوق العاده خوشحال شده گمان می برند که اصولا طفل آنها حسود نیست ولی آنها نبایستی بظاهرکار خام شوند بلکه درحالات مختلف میتوانند منشاء ومبداء بعضی حرکات و رفتار اوراکه همان حسادت است درک نمایند روزی دخترکوچکی که ظاهرا نسبت بخواهر کوچکترش خیلی مهربانی مینمود وابدا نسبت باو حسادت نمیورزید وقتی که دید کسی متوجه او نیست ازپله ها بالا رفت کودک را ازتختش بیرون آورده ودرراهرو بفاصله چند سانتیمتربالای پله ها قرارداد بعد بسرعت پائین دوید وخودش را به مادرش رسانیده گفت مامان میترسم بچه ازپله ها بیفتد مادرانا دراینمورد بجای آنکه طفلرا تنبیه کند باید بدون اوقات تلخی باکمک او باره کودک را بجای خود بازگرداند آنچه این

دخترکوچک واطفال نظیرا واحتیاج دارند محبت ومهربانی کامل پدرومادررا واطمینان آنها ازاینموضوع است . نمونه دیگری ازرفتاراطفال که منشاء آن حسادت است سیرقهقرائی اووبرگشتن باخلاق و عادات زمان کودکی است فقط بمنظورآنکه توجه والدین خصوصا مادررا بخود جلب کند مثلا ممکن است دوباره جای خود راکثیف کند انگشت دستش را بمکد درلباس پوشیدن وغذا خوردن خود راعاجز نشان دهد ووقتیکه طفل درمقابل اینکارها مورد سرزنش واقع شد وقتی است که ازکارخود که مقصود جلب توجه مادربوده نتیجه گرفته وممکن است که مدتها آنرا ادامه دهد دراینمورد باید زیاد به طفل سختگیری ننمود با بی اعتنائی برفتار او بطوری مدبرانه با اورفتار کرد که بزودی این عادات را ترک نماید . رفتار دیگری که حسادت طفل بآن وسیله نمایان میشود گوشه گیری ودلسردی اوبکار هائیست که سابقا بآنها علاقه مند بوده دراینمورد این مثل ذکرمیشود . آموزگاردبستانی متوجه میشود که یکی ازبهترین شاگردهای اوموسوم به سالی تغییرزیادی نموده دیگربا شاگردان بازی نمیکرد دروقت تنفس درگوشه ٔ نشسته وبفکرفرومیرفت ودر سرکلاس هم دیگرآن شوق ورغبت بدرس را نشان نمیداد آموزگارتصمیم گرفت که دراینباره تحقیق کند و علت آنرا دریابد بنابراین بهترآن دید که با مادرسالی واردمذاکره شود ولی قبلا مادرسالی خود بشخصه نزد آموزگار آمده ومیخواست بداند علت اینکه یکباره دخترخوب اوچه خجالتی وزود رنج وتنبل شده است چیست باهم مشغول صحبت شدند وآموزگار دانست درزمان اوقات سالی صاحب برادرکوچکی شده است مادررا میگفت من علت تغییر اخلاق دخترم رانمیدانم چیست دربیش اورا سعی میکنم که اسمی ازنوزاد بمیان نیاوریم ووقتی سالی با ماست اصلا توجهی بکودک نداریم مذاکرات آموزگارومادرادامه یافت وبالاخره باین نتیجه

رسیده اند که والدین سالی همیشه اورا وادار بمبارزه میکردند ودرنتیجه ترغیب وتشویقهای آنان بوده که سالی بدرس وکارهایش علاقه نشان میداده ولی درمورد نوزاد سالی متوجه شده بودکه دراینجا اصلا موردی برای مبارزه وجود نداردوبند ریج خودراکنارکشیده بود آموزگارها درسالی تذکرداد که بیش ازپیش بنوزاد توجه کند وبگذارند سالی با مقابله بااوحس برتری خودرا بازیابد ویاکمك کردن درتوجه ومراقبت نوزاد خودرالایق وشخصیت از دست رفته اش را بازیابد این کارنتیجه خوبی — بخشید وپس ازمدتی سالی دوباره همان شاگرد با هوش وبانشاط نخستین گردید •

بطورخلاصه پدران ومادران بایستی دررفتار خود نسبت باطفال بزرگترمنتهی دقت وتوجه رابکار برند مهرومحبت خود را بیش ازآن وقتیکه تنها بوده باونشان دهند وباروش عاقلانه وتدابیرموثر در صدد ازبین بردن حس حسادت اطفال خودگردند

* * *

مسافرت اعضای لجنه

چندی قبل امة الله بهیه خانم نادری بمراکز امریه اصفهان — نجف آباد — یزد — تفت — رفسنجان — کرمان واخیرا امة الله طوبی خانم صمدانی به اراك مسافرتی نموده جریان پیشرفت راجرای نقشه چهارساله ترقی نسوان را ازنزدیك مشاهده ودرمراجعت بامژده مسرت بخش ترقیات محسوس حضرات اماء الرحمن نقاط مزبوره موجبات بهجت وسرورموفوراعضای این لجنه رافراهم فرمودند •

* * *

قدردانی وتشکرازمشوقین محترم

بطوریکه محفل مقدس روحانی شیرازشید الله ارکانه مرقوم فرموده اند امة الله ویولت خانم نخجوانی وامة الله خانم کریم مظفری وجناب کریم مظفری باتصویب آنمحفل مقدس بمنظورتشویق و تحبیب احبای عزیزبرازجان — بوشهر — اهرم فقیه حسنان — خرموج وبسیدگی بامورترقی نسوان مسافرت پرخیروبرکتی بنقاط مزبوره فرموده حضرات اماء الرحمن آن مراکزرا بوظائف خطیره خویش بیش ازپیش آشناوآنانرا باجرا وتنفیذ نقشه چهارساله ترقی نسوان تشویق وترغیب فرموده اند وخدمات این نفوس نفیسه موجب امتنان ومورد تقدیرمحفل مقدس روحانی شیرازواین لجنه واقع گشته است •

۲ — جناب ابوالقاسم پاینده علیه بهاءالله الابهی که ازاحبای خدوم وجانفشان این امرنازنین میباشند اخیرامسافرتی بقسمتهای امری ساری بابل — بندرجز — سنگسرونقاط تابعه ازقبیل کرکان بهشهر — شاهرود — دامغان — سمنان نموده پیشرفت احباء رادراجرای نقشه چهارساله — مشاهده فرموده بااخبارفرح بخش که همانا موفقیت اکثراماء الرحمن دراجرا وتنفیذ نقشه مزبوره بوده اعضاء لجنه رامحظوظ وشادمان نمودند امیدوار یم امثال این نفوس مخلصه مؤمنه داوطلب شده بااین لجنه همکاری نموده باعث تشویق وترغیب اماء الرحمن دربلدان گردند •

لجنه ملی ترقی نسوان